نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

روان‌شناسی فرهنگی

دوفصلنامهٔ علمی، پژوهشکدهٔ تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی (سمت)
دورهٔ ۹، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
شاپا چاپی: ۷۲۱۱-۲۵۸۸
شاپا الکترونیکی: ۶۳۸۸ ـ ۲۶۷۶

خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس اتحاد خانواده در والدین ایرانی

محمدرضا روشنائی [۱]، شهریار یارمحمدی واصل [۲]✉، حسین محققی [۳]، محمدرضا ذوقی پایدار [۳]

۱. دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
۲. استاد، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. **نویسنده مسئول:** yarmohamadivasel@basu.ac.ir
۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها:
دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

واژگان کلیدی:
اتحاد خانواده
پایایی
روان‌سنجی
والدین ایرانی

چکیده

اتحاد خانواده که به عنوان کیفیت تعاملات اعضای خانواده شناخته می‌شود، نقش محوری در سلامت و عملکرد بهینه نظام خانواده دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس اتحاد خانواده در والدین ایرانی است که به روش کمی-توصیفی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه والدین دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی منطقه پنج شهر تهران در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴ است که از این بین تعداد ۳۳۶ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. شرکت‌کنندگان، نسخه فارسی مقیاس اتحاد خانواده (FCS)، به‌همراه مقیاس مثلث‌سازی (TS)، باج‌گیری عاطفی (EBS)، ثبات تعاملات زناشویی (MISS) و صمیمیت زناشویی (MIS) را تکمیل کردند. برای بررسی روایی سازه، از روش تحلیل عاملی تاییدی و روایی همگرا و واگرا از طریق محاسبه ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی پایایی ابزار از شاخص همسانی درونی برمبنای ضریب آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی، حاکی از برازش و مطلوب بودن مدل سه بُعدی بود. همبستگی‌های معنادار میان اتحاد خانواده و تعاملات زناشویی و صمیمیت زناشویی روایی همگرا و مثلث‌سازی و باج‌گیری عاطفی روایی واگرا این مقیاس را تایید کرد. ضریب پایایی کل برآوردشده از دو فرمول اسپیرمن ـ براون و گاتمن و همسانی درونی کلی مقیاس و خرده‌مقیاس‌ها نشان از پایایی مناسب این مقیاس داشت. با توجه به مطلوب‌بودن خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس اتحاد خانواده، می‌توان از آن به عنوان ابزار معتبر در جامعه والدین ایرانی استفاده کرد.

استناد: روشنائی، محمدرضا، یارمحمدی واصل، شهریار، محققی، حسین، ذوقی پایدار، محمدرضا (۱۴۰۴). خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس اتحاد خانواده در والدین ایرانی، *روان‌شناسی فرهنگی*، ۹(۲). ۱۵-۳۰.

https://doi.org/10.30487/jcp.2026.579145.1899

۱۴۰۴/۲۰۲۶ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است. منتشرشده توسط نشریه روان‌شناسی فرهنگی (سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)).

Cultural Psychology

Vol. 9, Issue 2
Fall 2025 - Winter 2026
Print ISSN: 2676-6388
Online ISSN: 2676-6388

نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

Psychometric Properties of the Persian Version Family Cohesion Scale in Iranian Parents

Mohammad Reza Roshanaei [1], Shahryar Yarmohamadi Vasel [2] ✉, Hossein Mohagheghi [3], MohammadReza Zoghi Paydar [3]

1. PhD in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.
2. Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. Corresponding Author: yarmohamadivasel@basu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

Article Info

History
Received: August 21, 2025
Accepted: November 27, 2025

Keywords
Family cohesion
Reliability
Psychometrics
Validity
Scale
Iranian parents

Abstract

Family cohesion, known as the quality of interactions among family members, plays a pivotal role in the health and optimal functioning of the family system. Therefore, the aim of the present study was to investigate the psychometric properties of the Persian version of the Family Cohesion Scale (FCS) among Iranian parents. The present research method was quantitative-descriptive. The statistical population included all parents of primary school students in District 5 of Tehran in the academic year 2023-2024. From this population, 336 individuals were selected via convenience sampling and completed the questionnaires. Participants completed the Persian version of the Family Cohesion Scale (FCS), along with the Triangulation Scale (TS), the Emotional Blackmail Scale (EBS), the Marital Interactional Stability Scale (MISS), and the Marital Intimacy Scale (MIS). To examine construct validity, Confirmatory Factor Analysis (CFA) was used. Convergent and divergent validity were assessed using Pearson's correlation coefficient. The reliability of the instrument was evaluated using internal consistency based on Cronbach's alpha coefficient and the split-half method. The results of the confirmatory factor analysis indicated a good fit and adequacy of the three-factor model. Significant correlations between family cohesion and marital interaction and marital intimacy confirmed the convergent validity of the scale. Similarly, significant negative correlations with triangulation and emotional blackmail confirmed its divergent validity. The estimated total reliability coefficients from the Spearman-Brown and Guttman formulas, along with the overall internal consistency of the scale and its subscales, indicated appropriate reliability for this scale. Given the favorable psychometric properties of the Persian version of the Family Cohesion Scale, it can be used as a reliable instrument in the population of Iranian parents.

Citation: Roshanaei, M.M., Yarmohamadi Vasel, SH., Mohagheghi, H., & Zoghi Paydar, M.R. (2026). Psychometric Properties of the Persian Version Family Cohesion Scale in Iranian Parents. *Cultural Psychology*, *9*(2), 15-30. https://doi.org/10.30487/jcp.2026.579145.1899

2026 The Author(s). This is an Open Access article distributed under CC BY 4.0. Reuse and distribution are permitted with proper citation. Published by Cultural Psychology (Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT)).

مقدمه

خانواده، در بسیاری از فرهنگ‌ها، اصلی‌ترین منشاء حمایت و محبت و منبع اصلی دلبستگی، پرورش و اجتماعی شدن انسان‌ها در جامعه است (روشنائی و همکاران، ۱۴۰۵؛ محققی و روشنائی، ۱۴۰۲). هر یک از اعضای خانواده، شخصی منحصربه‌فرد محسوب می‌شود که دارای شخصیت، نگرش، اصالت، احساسات، افکار و باورهای خاص خود است (Tsoutsi & Dikeos, 2024). این کانون پیچیده و منسجم، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روان و بهزیستی اعضا دارد(صادقی و همکاران، ۱۴۰۱). به عبارتی، برقراری روابط سالم بین اعضا و حفظ تعادل و حریم‌ها در خانواده، با سلامت جسمی و روانی اعضای آن پیوند مستقیم دارد (Tsoutsi & Dikeos, 2024). در چنین بستر پیچیده‌ای از روابط، مفهوم اتحاد خانواده به عنوان عاملی کلیدی در تحقق این سلامت و بهزیستی مطرح می‌شود (Favez et al., 2017).

اتحاد خانواده[1] که به عنوان کیفیت تعاملات سه‌گانه پدر- مادر-فرزند شناخته می‌شود (Deschênes et al., 2023)، نشان‌دهندهٔ ظرفیت اعضای خانواده برای همکاری مؤثر و ایجاد هماهنگی در موقعیت‌های مختلف روزمره است و شاخصی مهم در سلامت و انسجام خانواده محسوب می‌شود(Favez et al., 2024). به عبارت دیگر، اتحاد خانواده به پیوند عاطفی بین اعضای خانواده اشاره دارد که حس تعلق، حمایت و وحدت را در آنان تقویت می‌کند (Goodrum et al., 2020).

خانواده، از دیدگاه مدل اتحاد خانواده، مجموعه‌ای از روابط دوجانبه میان اعضا نیست، بلکه یک نظام تعاملی سه جانبه است که کیفیت عملکرد آن در میزان هماهنگی اعضا، هنگام انجام فعالیت‌های مشترک نمود می‌یابد. در این چارچوب، اتحاد خانواده به توانایی اعضا برای سازمان‌دهی تعاملات، حفظ هدف مشترک، ایفای نقش‌های مکمل و به اشتراک گذاشتن هیجان‌ها اشاره دارد. بر این اساس، اتحاد خانواده یکی از شاخص‌های اصلی عملکرد نظام خانواده محسوب می‌شود، زیرا کیفیت تعاملات سه‌جانبه را منعکس می‌کند؛ جنبه‌ای که از طریق ارزیابی روابط دوجانبه به تنهایی قابل تبیین نیست (Favez et al., 2017).

اتحاد خانواده، بر اساس مدل اتحاد درمانی، مفهومی فراتر از انسجام یا صمیمیت عاطفی اعضای خانواده است و کیفیت عملکرد هماهنگ خانواده را در تعاملات روزمره تبیین می‌کند. در این مدل، اتحاد خانواده بر چهار کارکرد تعاملی شامل مشارکت، سازمان‌دهی، کانونی‌سازی و اشتراک‌گذاری عواطف استوار است. این کارکردها به صورت سلسله‌مراتبی سازمان یافته‌اند؛ به گونه‌ای که تحقق هر سطح، پیش‌نیاز دستیابی به سطح بعدی محسوب می‌شود (Favez et al., 2017). بنابراین، اتحاد خانوادگی، زمانی شکل می‌گیرد که اعضای خانواده بتوانند به طور همزمان در تعاملات خانوادگی مشارکت فعال داشته‌باشند، نقش‌های خود را به شکل هماهنگ ایفا کنند، بر اهداف مشترک متمرکز بوده و هیجان‌های خود را به شیوه‌ای سازگار و متقابل با یکدیگر به اشتراک بگذارند. از این رو، اتحاد خانواده شاخصی از عملکرد تعاملی کل نظام خانواده محسوب می‌شود، نه کیفیت روابط میان دو عضو خانواده.

خانواده‌های متحد و منسجم، به احتمال زیاد، محیطی فراهم می‌کنند که در آن اعضاء احساس ارزشمندی، درک شدن و پشتیبانی داشته‌باشند. این امر به‌طور چشمگیری می‌تواند سلامت روانی و عاطفی آنان را ارتقا دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سطوح بالای انسجام خانوادگی با پیامدهای مثبتی مانند سطوح پایین‌تر اضطراب، افسردگی و استرس در بین اعضای خانواده مرتبط است (Goodrum et al., 2020). همچنین، یک محیط خانوادگی منسجم، تاب‌آوری را تقویت کرده و به اعضا کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی از جمله مسائل مربوط به رشد شخصی، سلامت یا عوامل استرس‌زای بیرونی، کنار بیایند. برای کودکان و نوجوانان، یک خانواده منسجم می‌تواند پایگاهی امن فراهم کند و حس

1. Family Cohesion

امنیت و شادی را پرورش دهد که برای رشد سالم عاطفی و اجتماعی آنان حیاتی است (Butler et al., 2022؛ Izzo et al.,2022). در مقابل، اتحاد خانواده که از آن به عنوان انسجام عاطفی و عملکردی خانواده یاد می‌شود، در اثر تعارضات والدگری تضعیف می‌شود(حیدری و همکاران، ۱۴۰۲). مطالعات نشان داده‌اند که کاهش اتحاد خانواده می‌تواند منجر به افزایش تنش‌های زناشویی و کاهش رضایت از زندگی مشترک شود (Favez et al., 2017).

اتحاد خانواده یک سازه نهفته‌است از این رو مشاهدهٔ مستقیم آن امکان‌پذیر نیست، ارزیابی دقیق آن مستلزم استفاده از ابزارهای استاندارد با شواهد روان‌سنجی مناسب، است. اگرچه ابزارهایی برای سنجش عملکرد خانواده، انسجام خانوادگی و روابط والدینی وجود دارد، اما این ابزارها، بر ابعاد کلی عملکرد خانواده یا روابط دوجانبه تمرکز دارند و قادر به سنجش مستقیم کیفیت تعاملات سه‌جانبه والد–والد–فرزند نیستند. از این رو، توسعه ابزارهای اختصاصی برای سنجش اتحاد خانواده، امکان ارزیابی دقیق‌تر این سازه و بررسی نقش آن در سلامت و عملکرد خانواده را فراهم ساخته است. در همین راستا، Tsoutsi & Dikeos (2024) مقیاس اتحاد خانواده را به عنوان ابزاری ۱۴ گویه‌ای طراحی کردند که سه بُعد ارتباط[1] (ارزیابی میزان ارتباط و هماهنگی میان اعضای خانواده)، خشم،کینه ، پرخاشگری[2] (ارزیابی میزان تعارضات و اختلافات اعضای خانواده) و ارزش‌ها و باورها[3] (ارزیابی میزان ارزش‌ها و باورهای مشترک اعضای خانواده) را پوشش می‌دهد و می‌تواند تصویری جامع از کیفیت تعاملات و انسجام خانواده ارائه دهد.

اگرچه، Tsoutsi & Dikeos (2024) این ابزار را با عنوان Family Functioning and Cohesion Scale(FFCS) معرفی کرده‌اند، بررسی محتوای گویه‌ها نشان می‌دهد که تمرکز آن بر عملکرد کلی یا انسجام خانواده نیست، بلکه هماهنگی در تعاملات، کیفیت ارتباط، مدیریت تعارض و اشتراک ارزش‌ها و باورهای خانوادگی را نیز ارزیابی می‌کند. از این‌رو، سازه مورد سنجش این ابزار، فراتر از مفهوم «عملکرد» یا «انسجام» خانواده بوده و بیانگر هم‌سویی و یکپارچگی تعاملات میان اعضای خانواده است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر، به منظور دستیابی به معادل مفهومی مناسب‌تر در زبان فارسی، عنوان «مقیاس اتحاد خانواده» برای این ابزار انتخاب شد. این نام‌گذاری به معادل‌سازی مفهومی در ترجمه فارسی مربوط است و هیچ تغییری در ساختار، ابعاد یا گویه‌های ابزار اصلی ایجاد نشده‌است.

با وجود اهمیت اتحاد خانواده در ارتقای سلامت روان، سازگاری و بهزیستی اعضای خانواده، پژوهش‌های انجام‌شده در ایران عمدتاً بر ارتباط مثبت محیط خانوادگی منسجم با پیامدهای مطلوب متمرکز بوده‌اند و اگرچه ابزارهای متعددی برای سنجش انسجام و عملکرد خانواده وجود دارد، تاکنون ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس اتحاد خانواده بررسی نشده‌است. همچنین این مقیاس با تأکید بر ابعاد ارتباط، مدیریت تعارض و اشتراک ارزش‌ها و باورها، جنبه‌هایی از تعاملات خانوادگی را ارزیابی می‌کند که در همه ابزارهای موجود به‌طور هم‌زمان، سنجش نمی‌شود. از سوی دیگر، استفاده از ابزارهای روان‌سنجی بدون بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن‌ها در بافت فرهنگی مقصد، می‌تواند اعتبار نتایج پژوهش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، اعتباریابی نسخه فارسی مقیاس اتحاد خانواده، علاوه بر فراهم کردن ابزاری معتبر برای سنجش این سازه در والدین ایرانی، امکان انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای، توسعه دانش بومی و طراحی مداخلات مبتنی بر شواهد در حوزه خانواده را فراهم می‌آورد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس اتحاد خانواده در والدین ایرانی صورت گرفت.

1. Communication
2. Anger/Resentment/Aggression
3. Values and Beliefs

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و روش آن، توصیفی است. جامعه آماری شامل کلیه والـدین دانـش‌آمـوزان دوره اول ابتدایی منطقه پنج شهر تهران در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴ است. از آنجا که در مورد حداقل حجم نمونه برای تحلیل عـاملی، توافق کلی وجود ندارد، براساس نظر Kline (2023)، حداقل حجـم نمونـه لازم در تحلیـل عـاملی، ۲۰۰ نفـر مـی‌باشـد. در پژوهش حاضر، با احتساب احتمال ریزش برخی نمونه‌ها، تعداد ۳۵۰ نفر (۱۷۵ نفر آقا و ۱۷۵ نفر خانم) بـه عنـوان نمونـه و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. در این میان، ۱۴ پرسشنامه که پاسخ نامهٔ آنهـا نـاقص بود، از پژوهش خارج شدند و نمونه نهایی تعداد ۳۳۶ نفر (۱۶۸ نفر آقا و ۱۶۸ نفر خـانم) بـاقی مانـد. معیـارهـای ورود بـه مطالعه شامل رضایت از شرکت در پژوهش، دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سـال بـرای والـدین و ۶ تـا ۹ سـال بـرای دانـش‌آمـوزان، نداشتن سابقه طلاق و زندگی مشترک اعضای خانواده و نبودن والدین در مرحله جدایی رسمی (طلاق)، است. همچنـین، پاسخ ناقص به سوالات، معیار خروج از پژوهش می‌باشد.

ابزارهای پژوهش

۱. مقیاس اتحاد خانواده[1] (FCS): مقیاس اتحاد خانواده که توسط Tsoutsi & Dikeos (2024) طراحـی شـده‌اسـت، شامل ۱۴ گویه می‌باشد که برای سنجش میزان اتحاد خانواده ساخته شده‌اسـت. ایـن مقیـاس دارای طیـف چهـار درجـه‌ای لیکرت (کاملا غلط=صفر، تا حدی غلط=۱، تا حدی درست=۲، کاملا درست=۳) است و حداقل و حـداکثر نمـره‌ای کـه هر فرد می‌تواند در این مقیاس کسب کند، به ترتیب صـفر و ۴۲ بـوده و نمـرات بـالا در ایـن مقیـاس، نشـان دهنـده اتحـاد خانوادگی بالاتر می‌باشد. این مقیاس سه بُعد اتحاد خانواده را مـی‌سـنجد، کـه عبارتنـد از: ارتبـاط (۲، ۴، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴)، خشم / کینه / پرخاشگری (۷، ۸، ۹ و ۱۰) و ارزش‌ها و باورها (۱، ۳ و ۵). نمره‌گذاری گویه‌های ۴، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ بـه صورت معکوس است. در خرده‌مقیاس خشم / کینه / پرخاشگری (بدلیل داشتن جنبه منفی)، هـر چـه نمـرات بـالاتر باشـد میزان خشم / کینه / پرخاشگری در خانواده بیشتر بوده و برعکس. میزان همسانی درونی این مقیاس، بـا اسـتفاده از آلفـای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ و میزان پایایی بازآزمون آن نیز ۰/۸۸گزارش شـده‌اسـت کـه نشـان از پایـایی مناسـب آن دارد. همچنین میزان همبستگی این مقیاس با مقیاس ارزیابی خانواده مک‌مستر ۰/۸۳گزارش شده‌است کـه نشـان از اعتبـار بالای این مقیاس دارد(Tsoutsi & Dikeos, 2024) . همچنین، میزان پایایی و روایی این مقیاس در پژوهش‌ها و کشـورهای مختلف، بررسی و تایید شده‌است (Alrajhi et al., 2025 ؛Sánchez & Ibarra, 2026).

۲. مقیاس مثلث‌سازی[2] (TS): مقیاس مثلث‌سازی که بهرامی و یوسفی (۱۳۹۱) طراحی کرده‌اند (به نقـل از دهقـانی ششده و یوسفی، ۱۳۹۸)، شامل ۱۶ گویه است که میل به مقابله با مشکلات ارتباطی از طریق دخیل کردن شخص ثالـث را می‌سنجد. این مقیاس دارای سه مولفه مثلث‌سازی منفی (گویه‌های ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۶) ، پشـتیبان (۱، ۲، ۳، ۵، ۶ و ۷) و مثلث‌سازی با فرزند (۱۲ و ۱۳) بوده و نمره‌گذاری آن به صورت طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملا مخالفم=۱ تا کاملا موافقم=۵) انجام می‌شود. حداقل و حداکثر نمره‌ای که هر فرد می‌تواند در این مقیاس کسب کنـد، بـه ترتیـب ۱۶ و ۸۰ بوده و نمرات بالا در این مقیاس، نشان دهندهٔ مثلـث‌سـازی بیشـتر اسـت. میـزان همسـانی درونـی بـا اسـتفاده از آلفـای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ گزارش شده‌است که نشان از پایایی مناسب آن دارد (دهقـانی ششـده و یوسـفی، ۱۳۹۸). همچنین میزان روایی سازه، همگرا و واگرای این ابزار قابل اطمینان گزارش شده‌است و پایایی بازآزمایی این مقیاس پـس

1. Family Cohesion Scale
2. Triangulation Scale

از دو هفته اجرا، ۰/۸ گزارش شد (یوسفی و بهرامی، ۱۳۹۴؛ به نقل از دهقانی ششده و یوسفی، ۱۳۹۸). در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۵ بدست آمد که نشان از پایایی مناسب این مقیاس دارد.

۳. مقیاس باج‌گیری عاطفی[1] (EBS): این مقیاس توسط Karnani (2018) جهت ارزیابی میزان باج‌گیری عاطفی طراحی شده‌است که شامل ۲۰ گویه است. این مقیاس دارای طیف پنج درجه‌ای لیکرت (هرگز=صفر تا همیشه=۴) بوده و حداقل و حداکثر نمره‌ای که هر فرد می‌تواند در این مقیاس کسب کند، به ترتیب صفر و ۸۰ می‌باشد. نمرات بالا در این مقیاس، نشان دهندهٔ باج‌گیری عاطفی بالا در روابط زناشویی است. Karnani (2018)، پایایی این مقیاس ۰/۹۲ و روایی آن را مناسب گزارش کرد. همچنین در ایران، عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۸) همسانی درونی این مقیاس را از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش کردند که نشان از پایایی مناسب آن دارد. روایی سازه همگرا نیز ۰/۶۱ بدست آمد. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ بدست آمد که نشان از پایایی مناسب این مقیاس دارد.

۴. مقیاس ثبات تعاملات زناشویی[2] (MISS): این مقیاس توسط Gottman (1999) برای ارزیابی میزان ثبات تعاملات زناشویی طراحی شده‌است که شامل ۲۰ گویه می‌باشد. این مقیاس دارای طیف دو درجه‌ای (خیر=صفر و بله=۱) بوده و حداقل و حداکثر نمره‌ای که هر فرد می‌تواند در این مقیاس کسب کند، به ترتیب صفر و ۲۰ است. نمرات بالا در این مقیاس، نشان دهنده ثبات در تعاملات زناشویی می‌باشد. Gottman (1999)، پایایی و روایی این مقیاس را بررسی و تایید کرده‌است (حسین‌پور دوانی و همکاران، ۱۴۰۳). همچنین در ایران، شایق بروجنی (۱۳۸۹) میزان پایایی این مقیاس را به شیوه همسانی درونی، ۰/۸۷ بدست آورد و روایی ظاهری و محتوایی آن را با استفاده از نظرات اساتید رشته مشاوره، مطلوب گزارش داد. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد که نشان از پایایی مناسب این مقیاس دارد.

۵. مقیاس صمیمیت زناشویی[3] (MIS): این مقیاس توسط Walker & Thompson (1983) برای ارزیابی میزان صمیمیت زناشویی طراحی شده‌است که شامل ۱۷ گویه است. این مقیاس دارای طیف هفت درجه‌ای لیکرت (هرگز=۱ تا همیشه=۷) بوده و حداقل و حداکثر نمره‌ای که هر فرد می‌تواند در این مقیاس کسب کند، به ترتیب ۱۷ و ۱۱۹ است. نمرات بالا در این مقیاس، نشان دهنده صمیمیت زناشویی بالا در روابط زوجین می‌باشد. Walker & Thompson (1983)، پایایی این مقیاس را ۰/۹۷ بدست آورده و روایی آن را مناسب گزارش داد (رافضی و کشایی، ۱۳۹۹). همچنین در ایران، ثنایی (۱۳۷۹) ضمن تایید روایی صوری و محتوای آن، روایی همگرای (با مقیاس صمیمیت باگاروزی) آن را ۰/۸۲ گزارش کردند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵). پهلوانی مجدآبادی نو و محمودپور (۱۴۰۱) نیز، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۸ بدست آوردند که نشان از پایایی مناسب آن دارد. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد که نشان از پایایی مناسب این مقیاس دارد.

روش اجرا

روش اجرای پژوهش به این صورت انجام گرفت که ابتدا پژوهشگران و یک نفر از اساتید آموزش زبان انگلیسی گویه‌های مقیاس اتحاد خانواده را ترجمه کرده و سپس دو استاد دیگر، ترجمه رو به عقب انجام دادند و سپس یک نفر از اساتید، ترجمه‌های انجام شده را به صورت تطبیقی بررسی کرد و نسخه ترجمه شده آن را در اختیار پژوهشگران قرار داد.

1. Emotional Blackmail Scale
2. Marital Interaction Stability Scale
3. Marital Intimacy Scale

پس از انجام ترجمه کامل و مشخص شدن معادل فارسی گویه‌ها و خرده‌مقیاس‌ها، مقیاس فوق، جهت بررسی روایی محتوای ابزار با استفاده از روش لاوشه و از طریق قضاوت ۱۹ نفر از اساتید روانشناسی و مشاوره خانواده بررسی شد. برای هر گویه، متخصصان میزان ضرورت آن را در قالب سه گزینه «ضروری است»، «مفید است ولی ضروری نیست» و «ضروری نیست» تعیین کردند. سپس با محاسبه نسبت روایی محتوا برای هر گویه، نتایج نشان داد که مقادیر نسبت روایی محتوا برای گویه‌ها در دامنه ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ قرار دارد. با توجه به اینکه حداقل مقدار قابل قبول نسبت روایی محتوا برای ۱۹ متخصص بر اساس جدول لاوشه ۰/۴۲ است، همه گویه‌ها از این حداقل بالاتر بودند. این بدان معناست که هر گویه را ۱۶ تا ۱۸ نفر از متخصصان به عنوان گویه «ضروری» ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، روایی محتوای کلیه گویه‌ها در سطح مطلوبی تأیید شد و تمامی گویه‌ها در ابزار نهایی حفظ گردیدند.

در ادامه، پس از دریافت کد اخلاق به شماره IR.BASU.REC.1404.071 از کمیته اخلاق دانشگاه بوعلی‌سینا و اخذ مجوز از اداره آموزش و پرورش منطقه پنج شهر تهران، یکی از مدارس دولتی دوره اول ابتدایی این منطقه که آمادگی همکاری با پژوهش را داشت، به روش در دسترس انتخاب شد. پس از برگزاری جلسه‌ای با مدیر مدرسه و تشریح اهداف و مراحل اجرای پژوهش، فهرست کلاس‌های پایه اول تا سوم ابتدایی در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. سپس، با هماهنگی مدیر و معلمان، اطلاعیه‌ای شامل هدف پژوهش، شرایط ورود به مطالعه، نحوه مشارکت و لینک پرسشنامه آنلاین از طریق گروه‌های مجازی رسمی اولیا هر کلاس برای والدین ارسال شد. از تمامی والدین واجد شرایط خواسته شد در صورت تمایل، پس از مطالعه توضیحات پژوهش و تکمیل فرم رضایت آگاهانه الکترونیکی، پرسشنامه‌ها را به صورت برخط تکمیل کنند. فرآیند جمع‌آوری داده‌ها به مدت چهار هفته ادامه داشت و در این مدت سه نوبت یادآوری از طریق مدیر و معلمان برای افزایش میزان مشارکت والدین انجام شد. در مجموع، ۳۵۰ والد پرسشنامه را تکمیل کردند که پس از بررسی اولیه، ۱۴پرسشنامه به دلیل ناقص بودن پاسخ‌ها، کنار گذاشته شد در نهایت داده‌های ۳۳۶ نفر وارد تحلیل آماری شد. در تمامی مراحل پژوهش، محرمانگی اطلاعات شرکت‌کنندگان محفوظ ماند و به آنان اطمینان داده شد که مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده و در هر مرحله امکان انصراف از مطالعه بدون هیچ‌گونه پیامدی وجود دارد.

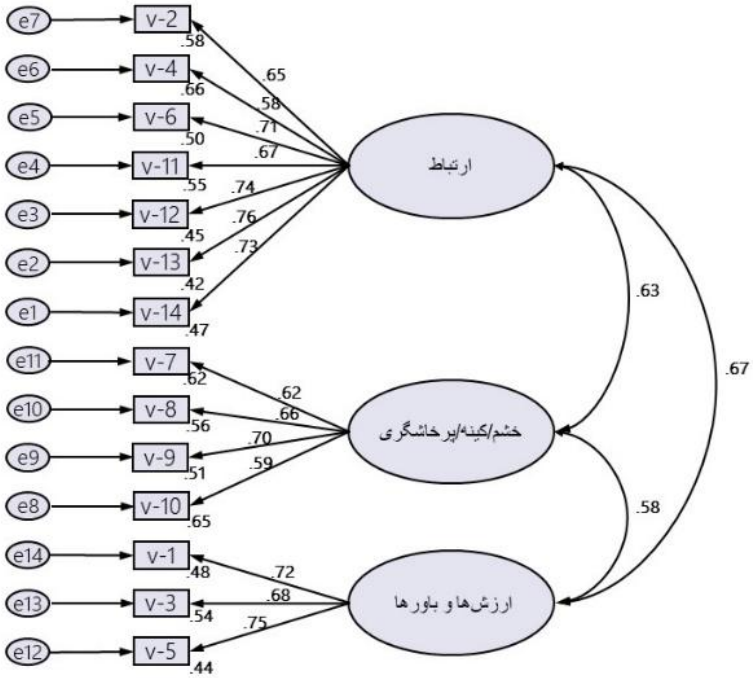
یافته‌ها

یافته‌ها در این نمونه ۳۳۶ نفره، میانگین سن آزمودنی‌ها ۳۶/۲۹ سال با انحراف معیار ۲/۴۲ بود. از نظر جنسیت، فراوانی‌ها برابر بود؛ به‌طوری‌که زن و مرد هر کدام ۱۶۸ نفر(۵۰ درصد) را شامل شدند. از نظر تحصیلات، ۷۸ نفر (۲۳/۲ درصد) دیپلم و زیر دیپلم، ۱۳۶ نفر (۴۰/۵ درصد) کارشناسی، ۸۸ نفر (۲۶/۲ درصد) کارشناسی ارشد و ۳۴ نفر (۱۰/۱ درصد) دکتری بودند. همچنین از نظر تعداد فرزندان، ۱۰۸ نفر (۳۲/۱ درصد) دارای یک فرزند، ۱۹۲ نفر (۵۷/۲ درصد) دارای دو فرزند و ۳۶ نفر (۱۰/۷ درصد) دارای ۳ فرزند و بیشتر بودند.

پیش از بررسی روایی و پایایی مقیاس مورد نظر، داده‌ها آماده‌سازی و پیش‌فرض‌های لازم برای اجرای تحلیل عاملی بررسی شد. ازاین‌رو، ابتدا نمرات خام آزمودنی‌ها به نمرات استاندارد (Z) تبدیل گردید تا امکان شناسایی داده‌های پرت فراهم شود. ملاک حذف، وجود آزمودنی‌هایی با قدر مطلق نمره Z بزرگ‌تر از ۳ بود. نتایج نشان داد نمرات Z در بازه ۲/۹۱- تا ۲/۳۶ قرار دارند؛ بنابراین هیچ‌یک از افراد نمونه از تحلیل کنار گذاشته نشدند. همچنین برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات، شاخص‌های چولگی و کشیدگی محاسبه شد؛ به‌گونه‌ای که برای نمره کل، چولگی ۰/۳۸- و کشیدگی ۰/۳۲- به‌دست آمد و در زیرمقیاس‌ها نیز چولگی در بازه ۰/۲۹- تا ۰/۵۶ و کشیدگی در بازه ۰/۶۷- تا ۰/۲۸ قرار داشت که حاکی از وضعیت قابل قبول توزیع داده‌هاست.

برای بررسی کفایت داده‌ها چند شاخص کلیدی محاسبه شد. مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری کایزر–مایر–اولکین[1] برابر ۰/۸۹۲ به‌دست آمد که در سطح عالی قرار داشته و نشان می‌دهد داده‌ها از نظر کفایت نمونه‌گیری برای انجام تحلیل عاملی کاملاً مناسب‌اند. با توجه به معنادار شدن آزمون کرویت بارتلت[2] (p<۰/۰۵)، فرض صفر مبنی بر همانی بودن ماتریس همبستگی‌ها رد شد، که حاکی از مناسب بودن ماتریس همبستگی‌ها و وجود همبستگی کافی بین گویه‌ها برای استخراج عامل‌هاست و در نتیجه داده‌ها شرایط لازم برای تحلیل عاملی را دارند. به‌منظور اطمینان از نبود هم‌خطی شدید/تک‌همخطی، دترمینان ماتریس همبستگی[3] بررسی شد که مقدار آن ۲/۱۴۳E-۵ گزارش گردید که از حد بحرانی رایج (۱E-۵) اندکی بزرگ‌تر بوده و بنابراین بیانگر نبود تک‌همخطی مشکل‌ساز و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. در جدول همبستگی ضدتصویر[4]، مقادیر شاخص کفایت نمونه‌گیری برای هر گویه[5] که روی قطر اصلی ماتریس گزارش می‌شوند، برای همه‌ی گویه‌ها بسیار بالا بود؛ به‌طوری‌که کمترین مقدار حدود ۰/۷۹۶ به‌دست آمد که نشان می‌دهد هیچ گویه‌ای از نظر کفایت نمونه‌گیری آیتمی مشکل نداشته و همگی برای ورود به تحلیل عاملی مناسب‌اند.

به‌منظور بررسی روایی سازه، تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول بر روی گویه‌ها انجام شد. در این مرحله، گویه‌ها بر اساس الگوی بارهای عاملی در قالب سه زیرمقیاس/عامل (ارتباط، خشم/کینه/پرخاشگری و ارزش‌ها و باورها) سامان‌دهی شدند.



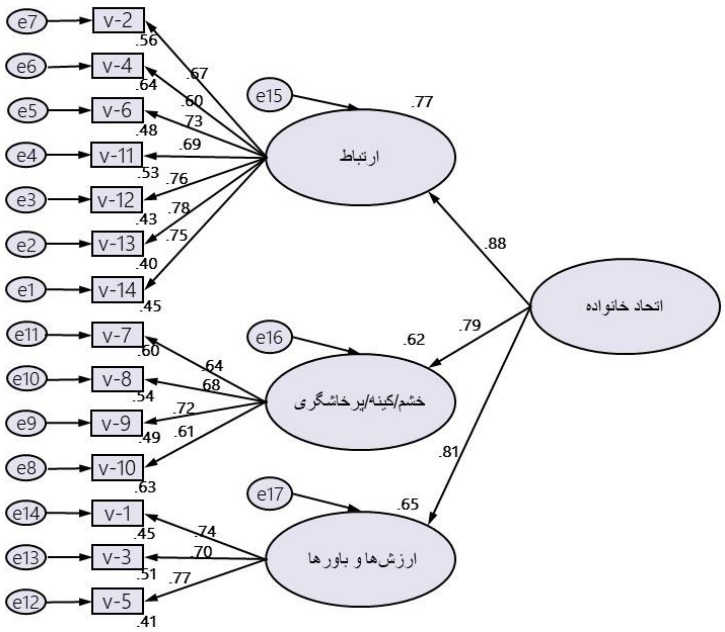
شکل ۱ نتایج تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول

1. Kaiser–Meyer–Olkin Measure of Sampling Adequacy; KMO
2. Bartlett's Test of Sphericity
3. Determinant of the Correlation Matrix; Determinant
4. Anti-image Correlation Matrix
5. Measures of Sampling Adequacy; MSA

جدول ۱ میزان بار عاملی و سطح معناداری در تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول

بعد	گویه	میزان بار عاملی	سطح معناداری
ارتباط	سوال ۲: ما از با هم غذا خوردن لذت می‌بریم.	۰/۶۵	۰/۰۰۱
	سوال ۴: اگر کمتر کنار هم باشیم، احساس بهتری داریم.	۰/۵۸	۰/۰۰۱
	سوال ۶: تصمیمات معمولاً بر مبنای توافق جمعی گرفته می‌شوند.	۰/۷۱	۰/۰۰۱
	سوال ۱۱: با هم روراست و بی‌پرده حرف می‌زنیم.	۰/۶۷	۰/۰۰۱
	سوال ۱۲: معمولاً مشکلاتمان را با هم حل می‌کنیم.	۰/۷۴	۰/۰۰۱
	سوال ۱۳: ما همیشه از هم حمایت می‌کنیم.	۰/۷۶	۰/۰۰۱
	سوال ۱۴: ما همدیگر را تقویت می‌کنیم و بهم روحیه می‌دهیم.	۰/۷۳	۰/۰۰۱
خشم/کینه/پرخاشگری	سوال ۷: برخی از اعضای خانواده، خواسته‌های خود را به دیگران تحمیل می‌کنند.	۰/۶۲	۰/۰۰۱
	سوال ۸: خانواده ما زیاد با هم جر و بحث و مشاجره می‌کنند.	۰/۶۶	۰/۰۰۱
	سوال ۹: زیاد پیش می‌آید که سر هم داد بزنیم.	۰/۷۰	۰/۰۰۱
	سوال ۱۰: گاهی در خانواده خشونت فیزیکی رخ می‌دهد.	۰/۵۹	۰/۰۰۱
ارزش‌ها و باورها	سوال ۱: ما معمولاً باورهای مشترکی داریم (اجتماعی، مذهبی، سیاسی).	۰/۷۲	۰/۰۰۱
	سوال ۳: ما همگی با هم در مراسمات مختلف اجتماعی، مذهبی و ... شرکت می‌کنیم.	۰/۶۸	۰/۰۰۱
	سوال ۵: همه اعضای خانواده ارزش‌های مشترکی دارند.	۰/۷۵	۰/۰۰۱

تحلیل عاملی مرتبه دوم، به منظور بررسی امکان وجود یک سازه کلی‌تر و تبیین همبستگی‌های بین عوامل اجرا شد. در این مدل، سه عامل مرتبه اول به عنوان شاخص‌هایی برای سازه کلی اتحاد خانواده در نظر گرفته شدند.



شکل ۲ نتایج تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم

جدول ۲ میزان بار عاملی و سطح معناداری در تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم

متغیر	بعد	میزان بار عاملی	سطح معناداری
	ارتباط	۰/۸۸	۰/۰۰۱
اتحاد خانواده	خشم/کینه/پرخاشگری	۰/۷۹	۰/۰۰۱
	ارزش‌ها و باورها	۰/۸۱	۰/۰۰۱

Comrey & Lee (1992؛ به نقل از Cleare et al., 2018) پیشنهاد کردند، برای ارزیابی بارهای عاملیِ گویه‌ها از این نقاط برش استفاده شود؛ ۰/۳۲ ضعیف، ۰/۴۵ قابل‌قبول، ۰/۵۵ خوب، ۰/۶۳ خیلی خوب و ۰/۷۱ عالی. بر این اساس، طبق جدول ۱، نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول نشان داد تمامی گویه‌ها بار عاملی معنادار دارند (p=۰/۰۰۱) و در دامنه قابل قبول تا عالی قرار گرفتند که بیانگر کفایت گویه‌ها در تبیین سازه‌های مربوط است. همچنین طبق جدول ۲، نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نشان داد عامل کلی اتحاد خانواده، ابعاد مرتبه اول را به‌طور معنادار تبیین می‌کند. در جدول ۳، شاخص‌های برازندگی مدل آمده است.

جدول ۳ نتایج شاخص‌های برازندگی مدل تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول و دوم

شاخص	X^2/ df	RMSEA	GFI	IFI	CFI	TLI	SRMR
میزان در مرتبه اول	۱/۸۷	۰/۰۵۱	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۰۴۵
میزان در مرتبه دوم	۲/۰۵	۰/۰۵۶	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۰۵۲
سطح مطلوب	۳>	۰/۰۸>	۰/۹<	۰/۹<	۰/۹<	۰/۹<	۰/۰۸<
نتیجه	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید

براساس جدول ۳، شاخص‌های برازندگی در هر دو مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و مرتبه دوم همگی در محدوده مطلوب قرار دارند و بنابراین برازش هر دو مدل تأیید می‌شود (با این توضیح کلی که برازش مدل مرتبه اول نسبت به مرتبه دوم اندکی بهتر است، اما هر دو قابل قبول‌اند). به‌طور مشخص، نسبت کای‌دو به درجه آزادی[1]، ریشه میانگین مربعات خطای تقریب[2]، شاخص برازندگی[3] و نیز شاخص‌های تطبیقی شامل شاخص برازش افزایشی[4]، شاخص برازش تطبیقی[5]، شاخص تاکر–لوئیس[6] و ریشه میانگین مربعات باقیمانده‌های استاندارد[7] همگی مطابق سطح مطلوب درج شده در جدول گزارش شده‌اند؛ در نتیجه، الگوی کلی شاخص‌ها نشان می‌دهد مدل‌های اندازه‌گیری در هر دو مرتبه از برازش مناسب برخوردارند.

در ادامه، روایی همگرا و واگرا به‌منظور بررسی کیفیت مدل اندازه‌گیری و تمایز سازه‌ها ارزیابی شد. بدین منظور، ضرایب همبستگی پیرسون بین نمره کل مقیاس اتحاد خانواده و زیرمقیاس‌های آن با چهار متغیر ثبات تعاملات زناشویی، صمیمیت زناشویی، مثلث‌سازی و باج‌گیری عاطفی محاسبه گردید. نتایج نشان داد که در سطح ۰/۰۱ نمره کل اتحاد خانواده با تعاملات مثبت زوجین (r=۰/۶۹) و با صمیمیت زناشویی (r=۰/۶۶) رابطه‌ای مثبت و

1. Chi-square/df
2. Root Mean Square Error of Approximation; RMSEA
3. Goodness of Fit Index; GFI
4. Incremental Fit Index; IFI
5. Comparative Fit Index; CFI
6. Tucker–Lewis Index; TLI
7. Standardized RMR; SRMR

با باج‌گیری عاطفی (r=-۰/۶۵) و مثلث‌سازی (r=-۰/۶۸) رابطه‌ای منفی دارند. همچنین، در سطح زیرمقیاس‌ها، همه ابعاد با ثبات تعاملات زناشویی همبستگی مثبت و معنادار داشتند؛ به‌گونه‌ای که ضرایب به‌ترتیب عبارت بودند از: ارتباط (r=۰/۶۲) و خشم/ کینه/پرخاشگری (r=۰/۵۸)، ارزش‌ها و باورها (r=۰/۴۵). زیرمقیاس‌ها با صمیمیت زناشویی نیز رابطه مثبت و معنادار نشان دادند: ارتباط (r=۰/۶۰) و خشم/کینه/پرخاشگری(r=۰/۵۵)، ارزش‌ها و باورها (r=۰/۴۲). در مقابل، همه زیرمقیاس‌ها با مثلث‌سازی همبستگی منفی و معنادار داشتند: ارتباط (r=-۰/۵۹) و خشم/کینه/پرخاشگری (r=-۰/۶۲)، ارزش‌ها و باورها (r=-۰/۳۸). همچنین زیرمقیاس‌ها با باج‌گیری عاطفی نیز همبستگی منفی و معنادار نشان دادند: ارتباط (r=-۰/۵۶) و خشم/کینه/پرخاشگری (r=-۰/۵۹)، ارزش‌ها و باورها (r=-۰/۴۰). این الگوی همبستگی‌ها نشان می‌دهد اتحاد خانواده با سازه‌های همسو (تعاملات و صمیمیت زناشویی) همبستگی مثبت و با سازه‌های ناهمسو (مثلث‌سازی و باج‌گیری عاطفی) همبستگی منفی دارد؛ بنابراین شواهد مناسبی برای روایی همگرا و روایی واگرا ابزار فراهم می‌شود.

برای بررسی پایایی به روش دونیمه‌سازی، گویه‌های مقیاس ۱۴ سؤالی به دو بخش تقسیم شد (نیمه اول: ۷ گویه، نیمه دوم: ۷ گویه) و شاخص های پایایی برای هر نیمه و کل آزمون محاسبه گردید. همسانی درونی هر نیمه با آلفای کرونباخ ارزیابی شد که به‌ترتیب برای نیمه اول ۰/۸۲ و نیمه دوم ۰/۸۴ به‌دست آمد. همبستگی بین دو نیمه ۰/۶۸ محاسبه شد. بر اساس این همبستگی، ضریب پایایی کل آزمون با استفاده از فرمول اسپیرمن-براون، ۰/۸۱ و فرمول گاتمن، ۰/۸۰ به‌دست آمد. این هم‌خوانی نشان‌دهنده ثبات و قابلیت اعتماد نتیجه است.

علاوه بر آن، برای سنجش همسانی درونی ابزار، ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل و زیرمقیاس‌ها محاسبه شد. نتایج نشان داد آلفای کرونباخ زیرمقیاس ارتباط (۷ گویه) ۰/۸۷، خشم/کینه/پرخاشگری (۴ گویه) ۰/۷۹ و ارزش‌ها و باورها (۳ گویه) ۰/۷۴ به‌دست آمد. همچنین آلفای کرونباخ کل مقیاس اتحاد خانواده (۱۴ گویه) برابر ۰/۸۹ گزارش شد. طبق معیارهای رایج مقدار آلفای کرونباخ[1] اگر ≤ ۰/۶ باشد «قابل‌قبول»، اگر ≤ ۰/۷ باشد «خوب»، اگر ≤ ۰/۸ باشد «قوی»، و اگر ≤ ۰/۹ باشد «عالی» در نظر گرفته می‌شود (Rasheed et al., 2024). لذا، نتایج بدست آمده، بیانگر همسانی درونی بسیار مطلوب ابزار در سطح کلی و پایایی خوب تا عالی است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس اتحاد خانواده در والدین ایرانی انجام شد. نتایج پژوهش، نشان داد نسخه فارسی مقیاس اتحاد خانواده از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برخوردار است و ساختار سه‌بعدی آن در نمونه والدین ایرانی تأیید شد؛ که این یافته با نتایج Sánchez & Ibarra (2026)، Alrajhi et al. (2025) و Tsoutsi & Dikeos (2024)، که روایی و پایایی این مقیاس را در نمونه‌های خارجی تایید کردند، همسو است و نشان می‌دهد که ساختار مفهومی این سازه در بافت فرهنگی ایران نیز قابلیت بازتولیدی را دارد.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم، ساختار عاملی مقیاس اتحاد خانواده را تایید کرد. تأیید سه عامل ارتباط، خشم/کینه/پرخاشگری و ارزش‌ها و باورها نشان می‌دهد که اتحاد خانواده در بافت فرهنگی ایران، سازه‌ای چندبعدی است که از تعامل هم‌زمان جنبه‌های ارتباطی، هیجانی و شناختی شکل می‌گیرد. عامل ارتباط بیانگر توانایی اعضای خانواده در تبادل مؤثر اطلاعات، گوش دادن فعال، حل مسئله و هماهنگی در تعاملات روزمره است؛ بنابراین این

1. Cronbach's α

بعد زیربنای شکل‌گیری همکاری و اعتماد متقابل در خانواده محسوب می‌شود. عامل خشم/کینه/پرخاشگری نیز نشان‌دهنده وجود تعارض نیست، بلکه کیفیت تنظیم هیجان‌ها و نحوه مدیریت اختلاف‌ها را منعکس می‌کند. در خانواده های دارای اتحاد بالا، تعارض به جای تبدیل شدن به پرخاشگری و خصومت پایدار، از طریق تعامل سازنده مدیریت می‌شود و به حفظ کارکرد خانواده کمک می‌کند. عامل ارزش‌ها و باورها بیانگر وجود چارچوب‌های شناختی و ارزشی مشترک میان اعضای خانواده است که موجب انسجام در تصمیم‌گیری، پیش‌بینی‌پذیری رفتارها و احساس تعلق خانوادگی می‌شود. از دیدگاه نظریه نظام‌های خانواده، تعامل این سه بُعد، زمینه شکل‌گیری هماهنگی و عملکرد مؤثر خانواده را فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که ضعف در هر یک از این ابعاد می‌تواند اتحاد کلی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد (Minuchin, 2018؛ Tsoutsi & Dikeos, 2024). علاوه بر این، تأیید ساختار عاملی مرتبه دوم که نشان‌دهنده وجود یک سازه کلی‌تر بنام اتحاد خانواده می‌باشد، بیانگر آن است که این ابعاد به‌رغم تمایز مفهومی، در یک کل منسجم و یکپارچه مشارکت دارند و همگی تحت چتر مفهوم فراگیر اتحاد خانواده قرار می‌گیرند. برازش مطلوب هر دو مدل، پشتوانه‌ای قوی برای صحت ساختار اندازه‌گیری ارائه شده فراهم می‌کند؛ بنابراین این مقیاس از روایی سازه مناسب برخوردار است.

یافته‌های حاضر همچنین نشان می‌دهد که اگرچه سازه اتحاد خانواده با مفاهیمی مانند انسجام خانواده و عملکرد خانواده همپوشانی دارد، اما با آن‌ها مترادف نیست. در حالی که انسجام خانواده عمدتاً بر پیوند عاطفی، احساس تعلق و نزدیکی میان اعضای خانواده تأکید دارد، ساختار سه‌بعدی این مقیاس ابعادی فراتر از انسجام، از جمله کیفیت ارتباط، نحوه مدیریت تعارض‌ها و اشتراک ارزش‌ها و باورهای خانوادگی را نیز در بر می‌گیرد. از این‌رو، سازه اندازه‌گیری‌شده در این ابزار، بیانگر میزان انسجام خانواده نیست، بلکه کیفیت هماهنگی و هم‌سویی تعاملات میان اعضای خانواده را منعکس می‌کند. به همین دلیل، در نسخهٔ فارسی، عنوان «اتحاد خانواده» معادل مفهومی این ابزار انتخاب شد تا دامنه وسیع‌تر سازه مورد سنجش نسبت به مفهوم صرفِ انسجام خانواده را بهتر بازتاب دهد.

شواهد مربوط به روایی همگرا و واگرا نیز، از کیفیت مدل اندازه‌گیری حمایت کرد. روایی همگرا نشان داد که بین نمره کل اتحاد خانواده و تمامی ابعاد آن با سازه‌های تعاملات مثبت زوجین و صمیمیت زناشویی، همبستگی مثبت قوی وجود دارد که این نتیجه با یافته‌های Roman et al. (2024)، Daradka et al. (2024)، Ackerman et al. (2011) همسو است. این یافته نشان می‌دهد که روابط زناشویی، سنگ بنای انسجام و پیوند کلی خانواده محسوب می‌شود (Minuchin, 2018). بر اساس نظریه نظام‌های خانواده، زیرنظام زوجین هسته تنظیم‌کننده روابط خانواده است و کیفیت تعاملات زوجین، الگوی ارتباطی سایر اعضای خانواده را شکل می‌دهد. هنگامی که زوجین از مهارت‌های ارتباطی مناسب، حمایت متقابل و تنظیم هیجان مؤثر برخوردار باشند، این الگو به تعاملات والد–فرزند نیز تعمیم یافته و در نهایت موجب تقویت اتحاد خانواده می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود خانواده‌هایی که نمره بالاتری در اتحاد خانواده کسب می‌کنند، از کیفیت رابطه زناشویی مطلوب‌تری نیز برخوردار باشند.

از سوی دیگر، شواهد روایی واگرا، وجه تمایز و قدرت تشخیصی مهم مقیاس را آشکار می‌سازد. روایی واگرا نشان داد که بین نمره کل اتحاد خانواده و تمامی ابعاد آن با سازه‌های ناسازگار مثلث‌سازی و باج‌گیری عاطفی، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج Vera-Ruiz et al. (2026) و McCauley et al. (2021) همسو است. این یافته، ضمن تأیید روایی واگرا، نشان می‌دهد که سازه اتحاد خانواده، نه تنها معادل فقدان تعارض نیست، بلکه مفهومی ایجابی و مستقل است که حضور فعال آن، مانع شکل‌گیری الگوهای ارتباطی بیمارگونه می‌شود. همبستگی منفی اتحاد خانواده با مثلث‌سازی و باج‌گیری عاطفی به ویژه با ماهیت عامل ارتباط و عامل خشم/کینه/پرخاشگری قابل تبیین است. در خانواده‌هایی که الگوهای ارتباطی سازنده برقرار است، تعارض‌ها به شیوه مستقیم میان زوجین حل‌وفصل

می‌شود و نیاز کمتری به درگیر کردن فرزند در تعارض‌های زناشویی وجود دارد. همچنین، توانایی مدیریت هیجان‌های منفی مانع استفاده از راهبردهای کنترل‌گرایانه‌ای مانند باج‌گیری عاطفی می‌شود. از این رو، کاهش این رفتارهای ناسازگار، یکی از پیامدهای طبیعی اتحاد بیشتر میان اعضای خانواده محسوب می‌شود.

این الگو در بافت فرهنگی خانواده‌های ایرانی که بر همبستگی و انسجام درونی تأکید دارند، اهمیت بیشتری دارد زیرا نشان می‌دهد که اتحاد اصیل خانوادگی، حتی در فرهنگی که روابط نزدیک، ارزش محسوب می‌شود، لزوماً به معنای درهم‌آمیختگی ناسالم و نقض مرزهای فردی نیست، بلکه می‌تواند بستری برای رشد اعضاء در چارچوبی سالم فراهم آورد. در راستای ارزیابی پایایی مقیاس اتحاد خانواده، ضرایب پایایی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که گویه‌های مقیاس از انسجام درونی مناسبی برخوردارند و همه ابعاد، سازه واحد اتحاد خانواده را با ثبات مطلوب اندازه‌گیری می‌کنند. این یافته بیانگر آن است که ترجمه فارسی نه‌تنها معنای مفهومی گویه‌ها را حفظ کرده، بلکه همسانی آن‌ها در بافت فرهنگی ایران نیز حفظ شده است.

پژوهش حاضر، به‌منزله یکی از اولین مطالعات نظام‌مند در حوزهٔ سنجش اتحاد خانواده در بافت ایران، با هدف بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس اتحاد خانواده در والدین ایرانی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نسخه فارسی مقیاس اتحاد خانواده ابزاری معتبر و پایا برای سنجش کیفیت تعاملات خانوادگی در والدین ایرانی است. این ابزار با تمرکز بر ابعاد ارتباط، مدیریت تعارض و ارزش‌های مشترک، امکان ارزیابی سازه‌ای را فراهم می‌کند که فراتر از مفهوم صرفِ انسجام خانواده بوده و هماهنگی عملکرد کل نظام خانواده را بازنمایی می‌کند. از این‌رو، استفاده از این مقیاس می‌تواند به توسعه پژوهش‌های بومی، طراحی مداخلات خانواده‌محور و ارزیابی اثربخشی برنامه‌های ارتقای روابط خانوادگی کمک کند. اما، با توجه به محدودیت‌هایی چون نمونه‌گیری دردسترس، عدم کنترل متغیرهای زمینه‌ای مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سطح تحصیلات و ماهیت مقطعی داده‌ها، در تعمیم نتایج باید احتیاط کرد. برای پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود این بررسی با نمونه‌های تصادفی ملی، روش‌های طولی و نیز انجام پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر در زمینه رابطه فرآیندها و الگوهای اتحاد خانواده با متغیرهایی چون کیفیت والدگری، تاب‌آوری نوجوانان و پایداری ازدواج انجام شود. بهره‌گیری از این مقیاس برای غربالگری، طراحی مداخلات آموزشی و ارزیابی اثربخشی برنامه‌های حمایت از خانواده در نهادهای مرتبط می‌تواند گامی عملی در جهت تقویت بنیان خانواده‌های ایرانی باشد و پایه‌ای علمی برای تدوین مداخلات مبتنی بر شواهد در مراکز مشاوره خانواده فراهم سازد.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این مقاله، ملاحظات اخلاقی و امانت‌داری رعایت شده است. کد اخلاق پژوهش حاضر: IR.BASU.REC.1404.071

تعارض منافع: بنابر اظهار نویسندگان، در این مقاله تعارض منافعی وجود ندارد.

حمایت مالی: این مطالعه بدون هرگونه حمایت مالی صورت گرفته است.

قدردانی: پژوهشگران مراتب قدردانی خود را از کلیه مشارکت‌کنندگان محترم در این مطالعه که با صرف وقت و همکاری صمیمانه خود امکان انجام این پژوهش را فراهم نمودند، ابراز می‌دارند.

منابع

اعتمادی، ع؛ نوابی‌نژاد، ش؛ احمدی، ا؛ و فرزاد، و. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی زوج درمانی شناختی- رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۲ (۱)، ۸۷-۷۹. https://doi.org/10.22051/psy.2006.1679

پهلوانی مجدآبادی نو، ر؛ و محمودپور، ع. (۱۴۰۱). تدوین مدل صمیمیت زناشویی بر اساس راهبردهای حفظ زوج، تحمل پریشانی با نقش میانجی ذهن آگاهی. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۷ (۶۱)، ۳۴-۱۱. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_207729.html

حسین‌پور دوانی، ا؛ برزگر، م؛ بقولی، ح؛ و زرنقاش، م. (۱۴۰۳). تبیین نقش رضایت جنسی، صمیمیت، تعهد و سازگاری زناشویی در ثبات

زناشویی (مورد مطالعه: زوجین دارای فرزند). *سلامت و آموزش در دوران کودکی*، ۵(۲)، ۱۲۰-۱۰۷. http://dx.doi.org/10.32592/jeche.5.2.107

حیدری، ع؛ عاقبتی، ن؛ و جلال الدینی، ع. (۱۴۰۲). تعارضات نقش والدین: یک تحلیل مفهوم با استفاده از روش واکر و اوانت. *پرستاری کودکان*، ۹(۴)، ۳۱-۱۹. http://dx.doi.org/10.22034/JPEN.9.4.19

دهقانی ششده، ز؛ و یوسفی، ز. (۱۳۹۸). مدل‌سازی معادلات ساختاری میل به طلاق بر اساس متغیرهای سیستمی(مثلث‌سازی، رابطه با همسر) و متغیرهای روان‌شناختی (توافق‌پذیری و شیوه‌های کنترل) و متغیر اجتماعی (نحوه گذراندن اوقات فراغت) مادران شهر اصفهان. *خانواده پژوهی*، ۱۵(۱)، ۱۷۰-۱۵۵.

رافضی، ز؛ و کشایی، م. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر افزایش صمیمیت و سازگاری زناشویی بیماران مبتلا به اختلال مصرف مواد. *طب انتظامی*، ۹(۲)، ۱۲۶-۱۱۹. http://dx.doi.org/10.30505/9.2.119

روشنائی، م؛ یارمحمدی واصل، ش؛ ذوقی پایدار، م؛ و محققی، ح. (۱۴۰۵). خصوصیات روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس هم‌والدگری در والدین ایرانی. *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۴(۱)، ۵. https://doi.org/10.22034/pssw.2026.1285720.1908

شایق بروجنی، ل. (۱۳۸۹). *بررسی تاثیر مداخله آموزشی روانی مهارت های زناشویی بر اساس مدل گاتمن بر هوش هیجانی، ثبات تعاملات زناشویی و سبک ازدواج در زوجین شهر اصفهان*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان. https://elmnet.ir/doc/10501894-31932

صادقی، ا؛ صلاحیان، ا؛ و صالحی، م. (۱۴۰۱). مدل‌یابی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق و هوش هیجانی با میانجیگری تمایزیافتگی. *خانواده پژوهی*، ۱۸(۲)، ۳۳۲-۳۰۹. https://doi.org/10.48308/jfr.18.2.309

عباس‌پور، ذ؛ امان الهی، ع؛ و چوبداری، ع. (۱۳۹۸). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس باجگیری عاطفی. *اندازه گیری تربیتی*، ۱۰(۳۶)، ۲۰۰-۱۸۳. https://doi.org/10.22054/jem.2020.44909.1944

محققی، ح؛ و روشنائی، م. (۱۴۰۱). تأثیر زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر اختلال استرس پس از آسیب ناشی از خیانت زناشویی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۲۰(۲)، ۳۰۵-۳۱۶. http://dx.doi.org/10.52547/rbs.20.2.305

محققی، ح؛ و روشنائی، م. (۱۴۰۲). تاثیر زوج درمانی هیجان مدار بر اختلال استرس پس از سانحه ناشی از خشونت خانگی. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱۴(۵۲)، ۱۴۶-۱۱۸. https://doi.org/10.22054/jcps.2024.67484.2735

محققی، ح؛ روشنائی، م؛ یارمحمدی واصل، ش؛ و حسینی، ح. (۱۴۰۳). مقایسه‌ی تعهد زناشویی در زوجین نابارور، بارور شده با لقاح مصنوعی و بارور طبیعی. *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۱۹(۳۸)، ۱۷۹-۲۲۱. https://doi.org/10.22034/jpai.2024.2034028.1361

Abbaspour, Z., Amanelahi, A., & Choubdari, A. (2019). Evaluation of psychometric properties of the Emotional Blackmail Scale (EB). *Quarterly of Educational Measurement, 10*(36), 183-200. [In Persian] https://doi.org/10.22054/jem.2020.44909.1944

Ackerman, R. A., Kashy, D. A., Donnellan, M. B., & Conger, R. D. (2011). Positive-engagement behaviors in observed family interactions: a social relations perspective. *Journal of Family Psychology, 25*(5), 719-730. https://doi.org/10.1037/a0025288

Alrajhi, M. N., Osman, K., & Alkharusi, H. A. (2025). Family relationship assessment in research and practice: A systematic review of measurement tools and scales. *TPM–Testing, Psychometrics, Methodology in Applied Psychology, 32*(3), 1091-1114.

Butler, N., Quigg, Z., Bates, R., Jones, L., Ashworth, E., Gowland, S., & Jones, M. (2022). The contributing role of family, school, and peer supportive relationships in protecting the mental wellbeing of children and adolescents. *School Mental Health, 14*(3), 776-788. https://doi.org/10.1007/s12310-022-09502-9

Cleare, S., Gumley, A., Cleare, C. J., & O'Connor, R. C. (2018). An investigation of the factor structure of the Self-Compassion Scale. *Mindfulness, 9*(2), 618-628. https://doi.org/10.1007/s12671-017-0803-1

Daradka, S. A., Lbawwat, M. K., AL-Momani, R. M., Alkenani, R. A., & Alqudah, R. A. (2024). Family Cohesion and Adjustment as Predictors of the Meaning of Life and Happiness among a Sample of Married Couples in Jordan. *Statistics Applications & Probability 13*(5), 1533. https://doi.org/10.18576/jsap/130509

Dehghani Shesshdeh, Z., & Yousefi, Z. (2019). The Structural Equation Modeling of Desire to Divorce based on System, Psychological and Social Variables among High School Students' Mothers in Isfahan. *Family Research, 15*(1), 155-170. [In Persian]

Deschênes, M., Bernier, A., Cyr, C., Paradis, A., & Rassart, C. A. (2023). Marital satisfaction, parenting stress, and family alliance: Parental perspective taking as a moderator. *Family process, 62*(3), 1147-1160. https://doi.org/10.1111/famp.12812

Etemadi, O., NavvabiNezhad, S., Ahmadi, S. A., & Farzad, V. (2006). A Study on the Effectiveness of Cognitive-Behaviour Couple Therapy on Couple's Intimacy That Refer to Counselling Centres in Esfahan. *Journal of Psychological Studies, 2*(1), 69-87. [In Persian] https://doi.org/10.22051/psy.2006.1679

Favez, N., Frascarolo, F., & Tissot, H. (2017). The family alliance model: a way to study and characterize early family interactions. *Frontiers in Psychology, 8*, 1441. http://dx.doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01441

Favez, N., Rattaz, V., Puglisi, N., Razurel, C., Epiney, M., & Tissot, H. (2024). The interplay between maternal and paternal senses of efficacy moderates the link between perinatal parental stress and family alliance at 3 months. *Parenting, 24*(1), 30-38. https://doi.org/10.1080/15295192.2023.2254818

Goodrum, N. M., Smith, D. W., Hanson, R. F., Moreland, A. D., Saunders, B. E., & Kilpatrick, D. G. (2020). Longitudinal relations among adolescent risk behavior, family cohesion, violence exposure, and mental health in a national sample. *Journal of abnormal child psychology, 48*(11), 1455-1469. https://doi.org/10.1007/s10802-020-00691-y

Gottman, J. M. (1999). *The Marriage Clinic: A scientifically based marital therapy*. New York.

Heydari, A., Aghebati, N., & Jalalodini, A. (2023). Parental Role Conflicts: A Concept Analysis Using Walker and Avant Method. *Pediatric Nursing, 9*(4), 19-31. [In Persian] http://dx.doi.org/10.22034/JPEN.9.4.19

Hosseinpour Davani, A., Barzegar, M., Bagholi, H., & Zarnaghash, M. (2024). Explaining the Role of Sexual Satisfaction, Intimacy, Commitment and Marital Compatibility in Marital Stability (Case Study: Couples with child). *Childhood Health and Education, 5*(2), 107-120. [In Persian] http://dx.doi.org/10.32592/jeche.5.2.107

Izzo, F., Baiocco, R., & Pistella, J. (2022). Children's and adolescents' happiness and family functioning: a systematic literature review. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 19*(24), 16593. https://doi.org/10.3390/ijerph192416593

Karnani, S. R. (2018). *Emotional Blackmail Within Couple Relationships in Hong Kong* (Doctoral dissertation, Alliant International University).

McCauley, D. M., Sloan, C. J., Xia, M., & Fosco, G. M. (2021). Same family, divergent realities: How triangulation preserves parents' illusory harmony while adolescents navigate interparental conflicts. *Journal of family psychology, 35*(2), 128-137. https://doi.org/10.1037/fam0000785

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.

Minuchin, S. (2018). *Families and family therapy*. Routledge.

Mohagheghi, H., & Roshanaei, M. R. (2022). The Effect of Emotionally Focused Couple Therapy on Post-Traumatic Stress Disorder Caused by Marital Infidelity. *Research in Behavioral Sciences, 20*(2), 305-316. [In Persian] http://dx.doi.org/10.52547/rbs.20.2.305

Mohagheghi, H., & Roshanaei, M. R. (2023). The effect of emotional couple therapy (EFT) on post-traumatic stress disorder (PTSD) caused by domestic violence. *Clinical Psychology Studies, 14*(52), 118-146. [In Persian] https://doi.org/10.22054/jcps.2024.67484.2735

Mohagheghi, H., Roshanaei, M. R., Yarmohamadi Vasel, S., & Hosseini, H. (2025). Comparison of Marital Commitment Among Infertile, Fertilized with Artificial Insemination and Natural Fertility Couples. *Journal of Population Association of Iran, 19*(38), 179-221. [In Persian] https://doi.org/10.22034/jpai.2024.2034028.1361

Pahlevani Majdabadi No, R., & Mahmoudpour, A. (2022). Development of Marital Intimacy Model Based on Couple Maintenance Strategies, Distress Tolerance with the Mediating Role of Mindfulness. *The Women and Families Cultural-Educational, 17*(61), 11-34. [In Persian] https://cwfs.ihu.ac.ir/article_207729.html?lang=en

Rafezi, Z., & Keshaee, M. (2020). The Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy on Increasing Intimacy and Marital Adjustment of Patients with Substance Use Disorders. *Police Medicine, 9*(2), 119-126. [In Persian] http://dx.doi.org/10.30505/9.2.119

Rasheed, S., Rehman, A. U., Tasleem, Z., Azeem, M., Rasool, M. F., Mehreen, A., & Al-Tamimi, S. K. (2024). Tests employed in the psychometric validation of the Insulin Treatment Appraisal Scale (ITAS) in T2DM patients; a systematic review of the literature. *Journal of Patient-Reported Outcomes, 8*(1), 124. https://doi.org/10.1186/s41687-024-00792-y

Roman, N. V., Balogun, T. V., Butler-Kruger, L., Danga, S. D., Therese de Lange, J., Human-Hendricks, A., ... & Olabiyi, O. J. (2025). Strengthening Family Bonds: A Systematic Review of Factors and Interventions That Enhance Family Cohesion. *Social Sciences, 14*(6), 371. https://doi.org/10.3390/socsci14060371

Roshanaei, M. R., Yarmohamadi Vasel, S., Zoghi Paydar, M. R., & Mohagheghi, H. (2026). Psychometric Properties of the Persian Version Co-Parenting Scale in Iranian Parents. *journal of policing & social studies of women & family, 14*(1), 5. [In Persian] https://doi.org/10.22034/pssw.2026.1285720.1908

Sadeghi, I., Salahian, A., & Salehi, M. (2022). Modeling Marital Conflicts based on Self-Knowledge, Love and Emotional Intelligence Mediated by Differentiation. *Journal of Family Research, 18*(2), 309-332. [In Persian] https://doi.org/10.48308/jfr.18.2.309

Sánchez, Y. B., & Ibarra, L. R. (2026). Funcionalidad familiar en el adulto mayor con polifarmacia de la Unidad de Medicina Familiar 64 Cordoba, Veracruz. *South Florida Journal of Health, 7*(1), e6162-e6162. https://doi.org/10.46981/sfjhv7n1-004

Shayeg Borojeni, L. (2010). *The effect of psychoeducational intervention based on Gottman's model on emotional intelligence, marital interaction stability and marriage style in couples in Isfahan*. Master's thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan. [In Persian] https://elmnet.ir/doc/10501894-31932

Tsoutsi, V., & Dikeos, D. (2024). Family functioning and cohesion scale: validation of a short instrument for the assessment of intrafamily relations. *Behavioral Sciences, 14*(10), 969. https://doi.org/10.3390/bs14100969

Vera-Ruiz, G., Ballena-Descalzo, R. O., Bardales-Andrade, M. E., Villarreal-Huertas, D. R., Lázaro-Illatopa, W. I., Quispe-Callo, G., ... & Copez-Lonzoy, A. (2026). Development and cross-cultural validation of the Family Triangulation Scale in five Latin American countries. *Acta Psychologica, 263*, 106304. https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2026.106304

Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family, 45*(5), 841-849. https://doi.org/10.2307/351796